

گفت‌وگو با محمد علی بصیری کارگردان انیمیشن ساعت جادویی

روایتی از شاهنامه

بازبان کودکانه

شقایق عرفی نژاد

در جشنواره امسال ۴ انیمیشن حضور دارند که با موضوعات مختلف کودکان را سرگرم خواهند کرد. یکی از این انیمیشن‌ها، فیلم ساعت جادویی به کارگردانی محمد علی



فیلم شما پیش از این در جشنواره کودک اصفهان نمایش داده شده است. با توجه به اینکه فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره نباید قبل از جایی نمایش داده شده باشند، ساعت جادویی چطور به جشنواره فجر هم راه پیدا کرده است؟

من در جریان این اتفاق نیستم. فیلم از طریق تهیه‌کننده به جشنواره ارسال شده، اما حس کنم از آنجایی که جشنواره امسال اهمیت خاصی برای انیمیشن قائل شده و ۴ انیمیشن در این بخش حضور دارند، به همین دلیل خواسته‌اند با بیشتر شدن فیلم‌ها، رقابت در این بخش جذاب‌تر باشد و کارها دیده شوند. اما از جزئیات اطلاعاتی ندارم.

انیمیشن شما با چه گروه سنی‌ای ارتباط برقرار می‌کند و می‌توانند مخاطبش باشند؟

به‌طور کلی سعی کردیم دامنه وسیعی از گروه مخاطبان را در نظر بگیریم. کار تم تاریخی دارد و تلاش ما این بود که روایت جذابی از یک واقعه تاریخی را نمایش دهیم. مواردی در کار وجود دارد که می‌تواند نظر مخاطب بزرگسال را هم جلب کند. تم کلی کار به سبک زندگی ایرانی برمی‌گردد که امروز آن را از دست داده‌ایم.

در مصاحبه‌ای گفته‌اید فیلم در جشنواره کودک اصفهان نتوانست با مخاطب ارتباط برقرار کند. در این باره بیشتر توضیح می‌دهید؟ چه اتفاقی افتاد؟

آنچه از رده سنی پایین باز خورد گرفتیم نشان می‌داد آنها نتوانسته بودند با کار ارتباط برقرار کنند و می‌گفتند مربوط به سن ما نیست. ولی نوجوانان توانسته بودند با فیلم رابطه برقرار کنند و آن را دوست داشتند.

نکته دیگری که وجود دارد این است که وقتی بچه‌های مدرسه به دیدن فیلم می‌روند نگاه متفاوت‌تری به فیلم دارند تا اینکه با خانواده آن فیلم را ببینند. وقتی کودک با خانواده فیلم را می‌بیند اگر سؤالی برایش پیش بیاید، آن را از مادر یا پدرش می‌پرسد ولی وقتی بچه‌ها به‌صورت جمعی به دیدن فیلم می‌روند حواسشان چندان به فیلم نیست و سؤالی هم اگر داشته باشند، کسی نیست که پاسخ دهد.

واقعه مسجد گوهرشاد اتفاق تلخ و خشنی است و روایتش برای کودکان کاری نامناسب به نظر می‌رسد. چه تمهیداتی داشتید که چنین واقعه‌ای را بدون نمایش خشونت برای کودکان روایت کنید؟

اگر بخواهیم وقایع تاریخی را در کتاب نگه داریم یا فقط مستندهایی برای بزرگسالان در باره آنها بسازیم، هیچ‌وقت نمی‌توانیم آنطور که باید به آن بپردازیم. اگر بتوانیم ایسن وقایع را با روایتی



بصیری نیک است که روند تولیدش از سال ۹۸ آغاز شده است. این انیمیشن سبک زندگی مردم ایران در سال‌های ابتدایی سده ۱۳۰۰ را نمایش می‌دهد و نگاهی هم به واقعه مسجد گوهرشاد دارد. در این گفت‌وگو با محمد علی بصیری درباره جزئیات این انیمیشن صحبت کرده‌ایم.

ملیف‌تر همراه با دلیل و شرح علت و معلول برای کودکان تصویر کنیم، بچه‌ها خیلی زودتر با هویت بومی خود آشنا می‌شوند. در این انیمیشن ما تم کودکان‌های به یک واقعه تاریخی خشن داده‌ایم تا کودکان فقط متوجه شوند چنین اتفاقاتی در تاریخ ما افتاده است. ضمن اینکه قضیه مسجد گوهرشاد فقط چاشنی فیلم ماست و ماجراهای زیاد دیگری هم وجود دارد که می‌تواند برای کودکان جذاب باشد. در مورد گوهرشاد هم بچه‌ها وقتی بزرگتر شدند، می‌توانند اطلاعاتشان را بیشتر کنند و با نکات بیشتری در این مورد آشنا شوند مثل همان اتفاقی که در مورد روایت داستان‌های شاهنامه برای کودکان می‌افتد. در این مورد هم داستانی از شاهنامه به شکلی کودکانه روایت می‌شود و زمانی که کودک بزرگ‌تر شد، می‌تواند داستان کامل را بخواند. فکر می‌کنم خود خانواده‌ها هم از این کار استقبال می‌کنند، چون اطلاعاتی که در مورد مسائل تاریخی داریم کم است. یک انیمیشن می‌تواند این اطلاعات را به شکل جذاب به کودکان ارائه دهد.

حضور انیمیشن‌ها در جشنواره همانطور که خودتان هم گفتید امسال پررنگ بوده است. قبل از این هم در طول سال گذشته چند انیمیشن موفق داشته‌ایم. فکر می‌کنید این را باید به حساب رشد انیمیشن بگذاریم یا مقطعی است.

به‌نظر من در چند سال گذشته نگاه هنری به انیمیشن کم‌رنگ‌تر شده و به شکل صنعتی به آن نگاه می‌شود. تولیدکننده‌ها و سفارش‌دهنده‌ها متوجه شده‌اند از این صنعت می‌شود پول درآورد همانطور که در کشورهای دیگر این اتفاق افتاده است. وقتی یک اتفاق هنری به صنعت تبدیل شود شروع به رشد و همه‌گیر شدن می‌کند. علاوه بر این در ایران ما نیروهای متخصص در انیمیشن زیاد داریم. هرچند متأسفانه عده زیادی از آنها از ایران مهاجرت کرده‌اند ولی اگر بستری فراهم شود که بتوانند در ایران فعالیت کنند، ایران به‌زودی یکی از کشورهای موفق در تولید انیمیشن خواهد شد.

ساعت جادویی با چه تکنیکی ساخته شده است؟

این انیمیشن با تکنیک سه بعدی کار شده است. در طول ۳ سال تولید، فضاسازی هایمان را در نرم‌افزار مخصوص بازی انجام دادیم و اشل کوچکی از مشهد قدیم را ساختیم. در این لوکیشن دوربین‌گذاری می‌کردیم و از فضاها و ساختمان‌هایی که ساخته بودیم تصویربرداری می‌کردیم. برای حرکت شخصیت‌ها و نورپردازی هم از نرم‌افزار مایا استفاده کردیم و بعد فضاها و شخصیت‌ها را با هم تلفیق کردیم. منظر کلی کار یک کار سه‌بعدی است، اما ۳ قطعه موسیقی هم داریم که برای اینکه با کودکان بیشتر ارتباط برقرار کنند، از تکنیک دوبعدی برای ساخت این قطعات استفاده کردیم.

فرآیند ساخت این انیمیشن طولانی بوده است. خودتان هم اشاره کردید که ۳ سال زمان برده است. چرا اینقدر طولانی شد؟

علتش این است که کار سختی بود. البته این را هم بگوییم که

نگاه

دوروز دیرتر گونه‌ای متفاوت در حوزه سینمای اجتماعی

سید محمد حسینی*

فیلم سینمایی دوروز دیرتر گذشته از ساختار و تکنیک و مسائل فنی به حساب مضمون و لحن بیان فیلم امروز است و می‌تواند ممتاز محسوب شود. چرا که هم در انتخاب موضوع یعنی مسئله بسیار مهم فرزندآوری و هم در لحن یعنی بیان شیرین برای مخاطب جوان درست عمل کرده و حرف خود را می‌زند. این یک واقعه جاری است که ایران در حال فرو رفتن در سیاه‌چاله جمعیتی عظیمی است که می‌تواند بزرگ‌ترین چالش سال‌های آینده این سرزمین کهن باشد. این واقعیت روزگار ماست که چالش جمعیت در همه ارکان اجتماعی از خدمات عمومی پزشکی گرفته تا پیشرفت اقتصادی و قدرت نظامی را می‌تواند تحت‌تأثیر قرار دهد و این واقعیت تلخ فرهنگی است که آرام آرام صلابت پدران در حال افول و عاطفه مادرانه در حال ولخرجی در عرصه‌های بی‌ربطی همچون حیوانات خانگی و امثال آن است و اگر مدیران فرهنگی دست روی دست گذاشته و نظاره‌گر این فاجعه عظیم باشند دیر نخواهد بود که تعداد داروخانه‌ها از تعداد خواربارفروشی‌ها و تعداد مراکز فروش غذای حیوانات از نانواپی‌ها و تعداد مراکز درمانی سالمندان از مهدکودک‌ها بیشتر شده و کهن مرز و بوم ایران در کیهولت ناشی از بی‌عملی فرهنگی مسئولان خود گرفتار خواهد شد.

دوروز دیرتر یک چالش اساسی است هم برای سسازندگان که می‌خواهند موضوع فرزندآوری را در سینمای ایران با یک پوشش عقیفانه و قالب عمومی بیان کنند و هم برای سرمایه‌گذاران که چالش ورود به حوزه مسائل واقعی و مهم اجتماعی را آغاز کرده‌اند. شاید اگر به‌جای دوروز دیرتر فرایبی روی یک فیلم اجتماعی سیاه‌سرمایه‌گذاری می‌کرد روایت فتح‌روی در ماندگی نئورئالیستی بعد از جنگ یک اثر خسته‌کننده خلق می‌کرد و یا اگر حوزه هنری یک کار ناظر به حوزه سلوک و بی‌ربط به وضعیت روانی امروز اجتماعی را سرلوحه کار خود قرار می‌داد احتمالاً هیچ‌یک از نقدهای منفی موجود در آتمسفر امروز سینمای ایران متوجه این نهادها نبود.

جای تعجب است که برخی دوستان نویسنده و منتقد بدون توجه به کارکرد این اثر آن را بی‌پروا و بی‌پرده تلقی می‌کنند در حالی که سینما همان جایی است که اتفاقا می‌تواند در جه‌بندی سنی داشته باشد.

سینما همان جایی است که می‌تواند مخاطب خاص را برای بیان حرف‌های خود در نظر بگیرد. سینما همان جایی است که اغلب مخاطبانش در طبقه سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال هستند، یعنی درست سنین باروری فرزندآوری و گروه هدف مخاطب همین فیلم و سینما همان جایی است که با تأثیرگذاری حسی عاطفی می‌تواند زمینه‌را برای پذیرش موضوعاتش فراهم کند. تنها شرط این موضوع همان است که به زبان مخاطبش با او وارد مخاطبه شود. در غیر این صورت مخاطب بی‌رحم سینما عقد اخوت با هیچ اثری نبسته و در قبال بهایی که برای بلیت پرداخت می‌کند انتظار تماشای اثری دارد که استانداردهای لازم معنایی و زبان بیان روان و بی‌پروایی داشته باشد.

*مدیرانچمن‌سینمای انقلاب و دفاع مقدس



روزنامه چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

42nd FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL یکشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۳